انقلاب 1920 عراق (ثورة العشرين)



قیام 1920 شیعیان عراق

در سال های ۱۹۱۷ (خلال جنگ جهانی اول که انگلیس وارد خاک عراق شد) تا ۱۹۲۰ (بعد از جنگ جهانی دوم) بر اثر ناخرسندی مردم عراق از دست درازی بریتانیا به کشورشان، در بیشتر مناطق آن شکل های گوناگونی از جنبش های سیاسی و نظامی مخالف با اشغال و طرح هایش به رهبری نخبگان و گروه های وابسته به ایدئولوژی ها و سیاست های مختلف، پدید آمد (فیاض، ۱۷۷ - ۱۷۴)، اما مهم ترین و پر دامنه ترین و تأثیرگذارترین جنبشی که تا سطح مقاومت سیاسی مسلحانه اوج گرفت و تا مرکز و جنوب عراق پیش رفت؛ چنان که شمار فراوانی از مسلمانان شیعه و اهل سنت را در بر گرفت و علما و روحانیان مبارز شیعه به ارشاد و رهبری آن پیش آمدند، همان بود که بعدها «ثورة العشرين» خوانده شد.

آنچه در این زمان(بعد از فوت آیت ا یزدی، مرجعیت وقت شیعه در عراق) آیت ا شیرازی(میرزا محمدتقی شیرازی معروف به میرزای دوم) را به رهبری دینی - سیاسی نزد مردم بدل می کرد، صدور فتوای شهیر او درباره همه پرسی(قیمومیت انگلیس در عراق) بود. این فتوا، در پاسخ به پرسش گروهی از علمای نجف

صادر شد. شماری از علما و رهبران عشایر، در استفتایی از ایشان پرسیدند: «آیا می توانیم فرد غیر مسلمانی برای حکومت و سلطنت انتخاب نماییم و یا اینکه وظیفه ماست که فرد مسلمانی برگزینیم؟ این مطلب را برای ما روشن کنید!» (الحسنی، ۷۴).

آیت ا شیرازی در پاسخ، چنین فتوایی صادر کرد: «هیچ مسلمانی حق ندارد، غیر مسلمان را به فرمانروایی و حاکیمت بر مسلمین انتخاب کند. بیستم ربیع الاول برابر با ۱۹۱۹/ ۱ / ۲۳» (همان).

این فتوا، افزون بر اینکه ضربه ای سنگین به پیروان اداره قیمومیت زد، از دید روان شناختی نه تنها در شیعیان که در همه مسلمانان تأثیر گذارد؛ زیرا محتوای آن، با آیاتی از قرآن هم آهنگ بود که فرمان می دهند مسلمانان از «اولوالامر» خود فرمان بپذیرند، نه هیئت حاکمه کافران (نفیسی، ۱۰۷). علمای کربلا به استقبال این فتوا رفتند و اعیان شهر، نشستی برای بررسی اجرای آن برگزار کردند. در این نشست کمیته ای مشخص و مأمور اجرای مصوبات نشست شد، اما انگلیسی ها بی درنگ شش نفر را از اعضای فعال این کمیته دستگیر و به هندوستان تبعید کردند (همان). آیت ا شیرازی در پیامی به تبعید این افراد اعتراض کرد. هم چنین علمای کاظمین با پیروی از فتوای آیت ا شیرازی، فتواهایی صادر کردند که تأسیس حکومت غیر اسلامی را در عراق حرام می دانستند. آنان در این فتواها اعلام کردند: هر کس به ماندگاری اشغال انگلیس در عراق رأی دهد، از دین خارج می شود و خود را از جامعه طرد می کند (بیل، ۳۸۸)

پذیرفتگی گسترده فتوای آیت ا شیرازی نزد مردم، در بدل شدن او به مرجع اعلی پس از درگذشت آیت ا یزدی بسیار تأثیر گذارد. درگذشت آیت ا یزدی (سی ام آوریل ۱۹۱۹)، جایگاه مرجعیت اعلای آیت ا شیرازی را تثبیت کرد. (نفیسی، ۲۳۷).

زمان رهبری آیت ا شیرازی (مارس ۱۹۱۹ تا هفدهم آگوست ۱۹۲۰)

ویژگی برجسته این دوره، صدور فتوای جهاد و قاطعیت ایشان درباره ضرورت قیام و انقلاب سراسری بر ضد اشغال گران انگلیس است. آیت ا شیرازی، اوایل مارس، فتوایی صادر کرد که بر پایه آن، کار کردن برای اداره قیمومیت انگلیس بر مسلمانان حرام می شد (الکاتب، ۴۶). هدف این فتوا توسعه دامنه مقاومت و آماده سازی زمینه بریا رویارویی فراگیر با اشغال گران بود؛ چنان که به تحرک تازه ای

جنبش شیعیان انجامید و به دنبال آن، موجی از استعفا، سراسر منطقه فرات مرکزی و جنوبی را فراگرفت (نفیسی، ۱۱۹). سپس با راهنمایی های آیت ا شیرازی و حضور شمار فراوانی از علما، رؤسای عشایر و رهبران فرات میانه، نشستی محرمانه در نجف (اواسط مارس ۱۹۲۰) برگزار شد و بر بسیج عمومی بر ضد اشغال گران و آماده کردن مردم برای مقابله با آنان تأکید کرد. آنگاه به انگیزه تحقق این هدف، شماری از علما، روحانیان و خطیبان به سوی قبایل فرستاده شدند (الحسنی، ۱۶۲).

کم تر از دو ماه از برگزاری این نشست گذشت (دهه سوم آوریل ۱۹۲۰) که سلسله نشست هایی به همت شماری از رؤسای عشایر و رهبران فرات در کربلا بر پا شد و شیخ محمدرضا، فرزند آیت ا شیرازی آنها را رهبری می کرد. هدف این نشست ها، زمینه سازی برای شرکت بیشتر و برپایی نشست گسترده تر و محرمانه ای در نیمه شعبان ۱۳۲۸ (سوم می ۱۹۲۰) در خانه آیت ا شیرازی به ریاست ایشان بود (همان، ۱۶۴-۱۶۳). حاضران در این نشست، شمار بسیاری از علمای شهیر نجف، کربلا و رؤسای عشایر بودند و تصمیم گرفتند زمینه را برای وقوع انقلابی فراگیر بر ضد انگلیس فراهم کنند؛ نخست خواسته های مردم عراق را در قالبی مسالمت آمیز با فرماندهان انگلیسی در میان آورند و با فرض خودداری آنان از پذیرش، به قیام مسلحانه دست بزنند (الوردی، ۱۲۸). سپس با حضور آیت ا شیرازی به قرآن کریم سوگند خوردند که برای پاسخ گویی به ندای دین و میهن خود و پیروی از رهنمودهای امامشان آماده اند الدراجی، ۸۵).

نقش وحدت در تحقق انقلاب بیستم

تحقق وحدت عمل میان مسلمانان شیعه و اهل سنت، از تحولات مهم این دوره بود که آیت ا شیرازی در آن بسیار تأثیر گذارد. پیامی در رمضان ۱۳۳۸ به شکل گسترده در شهرهای مختلف عراق توزیع شد و مسلمانان را به وحدت و پرهیز از هر اختلافی فراخواند. در بخش هایی از این پیام آمده است: «شما را از مخالفت و مشاجره با یکدیگر بر حذر می دارم؛ زیرا مضر به اهداف شما و موجب تضییع حقوق شما می گردد. شما را به حفظ جان، مال و آبروی کلیه پیروان ادیان و مذاهب در سرزمینمان توصیه می نمایم» (الکاتب، ۴۴؛ البصیر، ۹۸ – ۹۷).

در بخش هایی از این پیام آمده است: «شما را از مخالفت و مشاجره با یکدیگر بر حذر می دارم؛ زیرا مضر به اهداف شما و موجب تضییع حقوق شما می گردد. شما را به حفظ جان، مال و آبروی کلیه پیروان ادیان و مذاهب در سرزمینمان توصیه می نمایم» (الکاتب، ۴۴؛ البصیر، ۹۸ – ۹۷).

به دنبال توزیع این پیام، نشست های مهمی با شرکت رهبران شیعیان و اهل سنت در بغداد و دیگر شهرهای

مقدس برگزار شد و چهار تن از رهبران دو طایفه؛ یعنی سید محمد صدر و جعفر ابوالتمن (از شیعیان) و یوسف السویدی و علی البازرکان (از اهل سنت)، در نزدیک کردن دیدگاه های شیعیان و اهل سنت، بسیار تأثیرگذار بودند (نفیسی، ۱۱۹ - ۱۱۸). هم چنین اعضای جمعیت سری «حرس الاستقلال» که اواخر ۱۹۱۹ در بغداد پدید آمد و شعبه هایی در کاظمین، نجف و حله داشت، در ایجاد اتحاد میان شیعیان و اهل سنت تأثیر گذارد. سید محمد صدر، محمدمهدی بصیر، محمدباقر شبیبی و جعفر ابوتیمان، از برجسته ترین شخصیت های شیعه بودند که مسلمانان را به اتحاد با یکدیگر بر می انگیختند. شبیبی و ابوتیمان رابط کربلا، نجف و بغداد به شمار می رفتند و کوشش های ضد قیمومیت این سه شهر را با یکدیگر هم آهنگ می کردند (الوردی، ۹۸ – ۹۷). آشکار ترین نماد وحدت شیعه و اهل سنت با یکدیگر، در ماجرای برپایی جشن های میلاد پیامبر(ص) و آیین محرم ۱۳۳۸ رخ نمود. میزان اتحاد شیعیان و اهل سنت در این زمان چنان بود که حتی نیروهای اشغال گر از آن به شگفت آمده بودند. نقاش در این باره می نویسد:

«جاسوسان و نیروهای پلیس انگلیس از پیوند نزدیک شیعه و اهل سنت در شهرهای بغداد و کاظمین کاملا گیج شده بودند؛ به گونه ای که یکی از آنها در گزارش خود نوشت، چنین پدیده ای هرگز تا این تاریخ سابقه نداشته است. شیعیان و اهل سنت با این اتحاد چه واقعی یا غیر واقعی به اعتماد متقابل دست یافته اند» (Nakash, p۷۰).

اجتماع گسترده ای از مسلمانان شیعه و اهل سنت بغداد در آیین برگزاری جشن میلاد پیامبر، با تأکید بر وحدت مسلمانان به تظاهرات گسترده ای بر ضد اشغالگران دست زدند که آیت ا سید محمد صدر از علمای شیعه کاظمین و شیخ احمد الداوود از علمای سنی مذهب بغداد آن را رهبری می کردند، اما این تظاهرات با حمله نیروهای اشغالگر پراکنده شد و اداره قیمومیت برگزاری جشن ها را لغو و رهبران مخالف را تعقیب کرد (الحسنی، ۸۳).

اجتماع گسترده ای از مسلمانان شیعه و اهل سنت بغداد در آیین برگزاری جشن میلاد پیامبر، با تأکید بر وحدت مسلمانان به تظاهرات گسترده ای بر ضد اشغالگران دست زدند که آیت ا سید محمد صدر از علمای شیعه کاظمین و شیخ احمد الداوود از علمای سنی مذهب بغداد آن را رهبری می کردند، اما این تظاهرات با حمله نیروهای اشغالگر پراکنده شد و اداره قیمومیت برگزاری جشن ها را لغو و رهبران مخالف را تعقیب کرد (الحسنی، ۸۳).

باری، جنبش مقاومت اسلامی شهرهای شیعه و منطقه فرات میانه، پس از نشست نیمه شعبان، گسترده تر شد؛ پس از این نشست و بعد از توسعه دامنه مبارزه در بغداد به ویژه به دنبال برپایی جشن های زادروز

پیامبر (ص)، علما و رهبران فرات میانه بیانیه ای در همه مناطق فرات منتشر کردند و در آن برپایی انقلاب را خواستند (آل محبوبه، ۲۴۷ - ۲۴۶). هم چنین پس از برخوردهای خشونت بار اشغال گران با مردم در سرکوب شدید اجتماعات و دستگیری رهبران و فعالان سیاسی - دینی، شماری از رهبران و رؤسای عشایر، از آیت ا شیرازی، خواستند که به جواز استفاده از اسلحه در برابر نیروهای اشغال گر فتوا بدهد. آیت ا شیرازی نیز که اوضاع را برای آغاز رویارویی سراسری و انقلاب بر ضد اشغال گران آماده می دید، چنین فتوای صادر کرد:

«بسم ا الرحمن الرحیم احقاق حق بر مردم عراق واجب است و بر مردم واجب است که در ضمن درخواست حق خود، به صلح و امنیت توجه داشته باشند و آنها مجاز هستند تا اگر انگلیس از قبول خواسته های آنان امتناع ورزد، به زور متوسل شوند و از حق خود دفاع کنند» (الحسنی، ۱۰۴ - ۱۰۳).

این فتوا در خیزش مردم بسیار تأثیر گذارد و به مبنایی بدل شد که علما و رؤسای عشایر بر پایه آن حرکت می کردند و برای رویارویی نظامی با نیروهای اشغال گر از آن کمک می گرفتند.

آغاز انقلاب و گستره جغرافیایی آن

به دنبال این فتوا گروهی از مردان مسلح عشیره الظولمه به پایگاه سیاسی انگلیس در الرمیثه حمله کردند (سی ام ژوئن ۱۹۲۰). این حمله آغاز مقاومت مسلحانه بر ضد اشغال نام گرفت و نخستین جرقه انقلاب بیستم به شمار آمد (الحسنی، ۲۲۴). پس از این رویداد، دامنه عملیات نظامی به سرعت تا بیشتر مناطق فرات میانه گسترش یافت. بعد از الرمیثه، عشایر بوحسان قیام کردند. نظامیان بریتانیا در منطقه بوحسان برای مقابله مسلحانه با عشایر آماده نبودند. عشایر با حمله ای ناگهانی به منطقه «المفرزه» که در دست قوای بریتانیا بود، نیروهای آن را به سختی سرکوب کردند (الوردی، ۲۲۴ - ۲۲۳)؛ سپس مردم مناطق شامیه و نجف قیام کردند و به انقلابیان پیوستند. مبارزه مسلحانه آرام آرام از منطقه ای به منطقه دیگر گسترش می یافت، اما پیروزی انقلابیان در نبرد رستمیه چشم گیر و در گسترش شتابنده مبارزه مسلحانه تأثیرگذار بود. نظامیان انگلیسی در منطقه ای به نام قنات رستمیه اردو زدند (۲۴ جولای) و قوای عشایر آنان را محاصره کردند. پس از تاریک شدن هوا، شبیخون قوای عشایر و حمله سراسری آنان به نیروهای بریتانیا آغاز شد و قوای بریتانیا در چند ساعت پراکنده شدند. کمابیش دو سوم قوای بریتانیا در این نبرد در این منطقه آسیب دیدند (الحسنی، ۱۳۸). پیروزی در این نبرد، موجب تقویت روانی عشایر و به دنبال آن، کربلا و بیشتر مناطق فرات میانی و پایین آزاد شد. با

آزادسازی مناطق دیوانیه، حله، دغاره، عفک، المسیب و طویرج در ناحیه فرات میانی، موج انقلاب تا استان های مرکزی عراق پیرامون بغداد، دیالی، دیلم و تلعفر پیش رفت.

آیت ا شیرازی در این مرحله دوباره کوشید با نوشتن نامه به ویلسون، خواسته های انقلابیان را یاد آوری کند و شروط آتش بس (عقب نشینی قوای بریتانیا، بازگشت تبعیدیان و مذاکره برای اعطای استقلال تام به عراق) بازگو کند، اما پاسخ دوم ویلسون نیز مثبت نبود. آیت ا شیرازی هم چنین شکایت نامه ای به جامعه ملل فرستاد و در آن خواسته های مردم عراق را مطرح کرد.

درگذشت رهبر انقلاب 1920

جنبش شیعیان عراق در این مرحله به رویدادی مصیبت بار دچار شد. آیت ا شیرازی سوم ذی الحجه ۱۳۳۸ بر اثر کهولت سن درگذشت (فیاض، ۲۱۰) و مرجعیت اعلی به شیخ الشریعه اصفهانی، مقیم نجف منتقل شد و به دنبال آن مرکز رهبری انقلاب از کربلا به نجف رفت و یاران و مشاوران آیت ا شیرازی از این تاریخ به بعد آرام آرام تأثیر خود را در رهبری از دست دادند. ویلسون از این فرصت بهره برد و در نامه ای به شیخ الشریعه در این باره تسلیت گفت و مدعی شد همه مردم عراق خواهان استمرار حاکمیت بریتانیا بر عراقند و بهتر است که از شورش ها پایان یابند (همان، ۲۱۵ - ۲۱۲). بنابراین، اختلافی در صفوف انقلابیان افتاد و مشاوران شیخ الشریعه دو دسته شدند؛ کسانی مانند شیخ عبدالکریم جزائری و شیخ جواد جواهری به علت سختی اوضاع و تمام شدن امکانات مالی، پی گیری مبارزه را ممکن نمی دانستند و کسان دیگری مانند شیخ علی مانع و شیخ باقر شبیبی، بر مبارزه تأکید می کردند (الوردی، ۳۳۳ - ۳۳۲).

سرانجام دیدگاه گروه دوم پذیرفته شد و شیخ الشریعه در نامه خود به ویلسون به رغم رد پیشنهاد صلح، نوشت که مردم عراق برای به دست آوردن حقوق راستین خود تلاش می کنند و این قیام، اغتشاش و شورش به شمار نمی رود (الحسنی، ۲۱۹ - ۲۱۷). شیخ الشریعه در اعلامیه ای به مردم عراق، با تسلیت گویی به آنان، خواست که مبارزه شان را برای دفاع از حقوق خود دنبال کنند. انقلابیان نیز در بیانیه ای عمومی و شدید اللحن با پیشنهاد صلح مخالفت کردند، اما آتش اختلاف به صفوف رؤسای عشایر نیز کشانده شد. از سوی دیگر، پس از درگذشت آیت ا شیرازی و دور شدن مشاوران وی از صحنه رهبری، ضعف فرماندهی واحد و پراکندگی حرکت ها، فزونی گرفت، اما مبارزه مسلحانه باز نایستاد...

کتابنامه

1. آل محبوبه، جعفر الشیخ باقر (۱۹۸۶)، ماضی النجف و حاضرها، بیروت، دارالضواء.

2. البصیر، محمد مهدی (۱۹۲۴)، تاریخ القضیه العراقیه ، بی جا مطبعة الفلاح

3. بیل، المس (۱۹۷۱)، تاریخ العراق القریب، ترجمه جعفر خیاط، بغداد، وزارة التربیة و التعلیم.

4. الحسنی، عبدالرزاق (۱۹۸۳)، ثوره النجف، چاپ پنجم، صیدا، مطبعه العرفان.

5. الحسنی، عبدالرزاق (۱۹۹۲)، الثوره، العراقیة الکبری، چاپ ششم، بغداد، دار الشئون الثقافیة العامه

6. فیاض، عبدا (۱۹۶۳)، الثوره العراقیة الکبری (سنه۱۹۲۰)، بغداد، مطبعة الارشاد. 7. الکاتب، احمد (۱۹۸۱)، تجربه الثوره الاسلامیه فی العراق (۱۹۲۰ حتی ۱۹۸۰)، تهران، دار القبس الاسلامی

8. نفیسی، عبدا فهد (۱۳۶۴)، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی و عراق، ترجمه کاظم چایچیان، تهران، امیر کبیر.

9. الوردی، علی (۱۴۲۵)، لمحات الاجتماعیة من تاریخ العراق الحدیث، چاپ دوم، قم، المکتبه الحیدریه.

10. Nakash, Yitzhak (2003), the Shiis of Iraq, Princeton university press.

منبع: فصلنامه علمی پژوهشتی «پژوهشنامه ی تاریخ اسلام» سال سوم، شماره 9، مقاله «مراجع ایرانی و قیام 1920 شیعیان عراق»